

### بازگشت خشونت به عرصه فرهنگ

سالیان درازی بود که جوب و فلک بعنوان نماد تئیه خشونت‌آمیز از عرصه فرهنگ کشور رخت بر بسته بود و شیوه‌های جدیدتر بیش بندریج جایگزین روشهای قدیمی می‌گشت. اما آنچه اکنون مشاهده می‌شود متأسفانه بازگشت خشونت و روشهای خشونت‌آمیز به عرصه فرهنگ ما نژست. خبرهایی که در هیاهوی نظاهرات دانشجویان دانشگاههای مختلف کشور در اعتراض به حکم اعدام سید هاشم آقاجری گم شد، مؤید این بازگشت غم‌انگیز بود.

در غرب تهران آموزشگار دانش آموزی را چنان زیر مشت و لگد می‌گیرد، که مدیر و ناظم دانش آموز بخت برکنشته و تئیه و تحقیر شده را به بیمارستان منتقل می‌کنند و آموزشگار نیز با شکایت پدر دانش آموز از طریق کلاتری جلب و بازداشت می‌شود.

در دانشکده معماری دانشگاه ملی (شهید بهشتی)، استادی دانشجویی را که در ماه رمضان سیگار می‌کشید به دفترش می‌کشاند و او را با کمک فرد دیگری مورد ضرب و شتم قرار می‌دهد، بطوریکه این تعرض خشونت‌آمیز موجب شکستن بینی دانشجو می‌شود و کار به تحصن کوتاه مدت دانشجویان می‌کشد. البته استاد مزبور ضرب و شتم آشکار را تکذیب کرده و گفته است چون این دانشجو در ماه رمضان سیگار می‌کشیده من او را به دفترم کشاندم و او را نگاه داشتم تا حراست دانشگاه برسد!!

واقعاً به کجا می‌رویم؟ آنهایی که به ظاهر غم معیشت مردم را می‌خورند، در مورد سقوط فرهنگی و اخلاقی جامعه چه سخنی دارند و در این باره چه می‌گویند؟

### فقر و بیماری

که بشر راست ضربتی کاری!  
از نیاز و برزوز بیماری!  
بی نصیب از دوا و بهمداری!  
در مداواش پس گرفتاری!  
نه کس از وی کند پرستاری!  
کسار اویت ناله و زاری!  
لیک دارو رسد ببه دشواری!  
یک گران بایدش خریداری!  
چه کند بسا حریف بازاری؟  
نه زدارو فروش و عطاری!  
که ندانند جز تبه کاری!  
غم نگردد ببه روحشان طاری!  
نیست قانون بر آن کسان جاری!  
بند و بستش همی کند یاری!  
چهره‌اش سرخگون ز خوشخواری!  
گر ببه دزدان کنند سالاری!

آه از درد فقر و بیماری  
نیست در دهر آفتی بدتر  
چه بسا کس که زار و بیمار است  
وای بر بیکن فقیر که هست  
نه به درمانش جایی هست  
درد اویت از دوا محروم  
بر تش درد می‌رسد آسان  
یا به کلی نمی‌تواند یافت  
نیستش قدرت خرید از فقر  
نه بایاد رعایتی زبزشک  
حصر دارو به دست دزدان است  
بینوا گسر زبی دوایت مفرد  
دست در دست اقسویا دارند  
هر که با صاحبان قدرت بست  
خسون انفراد را ببه شیشه کند  
تنگ بر صاحبان قدرت باد

«ادیب برومند»

### آثار سوء شایعه یک وابستگی!

از پیش از نیم سده گذشته تا کنون بسیار بوده‌اند، بازرگانان، کاسبان، و در دهه‌های اخیر صاحبان صنعت، که در کنار فعالیت‌های سالم تجاری و صنعتی بخاطر اعتقاد به آرمانهای ملی دکتر مصدق و وابستگی به نهضت ملی و جبهه ملی ایران، در جامعه اعتبار مضاعفی یافته‌اند. یکی از این چهره‌های تابناک مبارزات ملی، شادروان حاج حسن شمشیری بود که مغازه مشهور چلوکبابی او در بازار زاینده خاخص و عام بود و وابستگی عمیق او به جبهه ملی ایران اعتبار اجتماعی او را دو چندان ساخته بود.

اکنون، به اعلامیه‌ها و آگهی‌های یک واحد تولید فرآورده‌های گوشتی در روزنامه‌های متعدد توجه کنید که شایعه وابستگی خود را به یکی از شخصیت‌های همواره بر سر کار دهه‌های اخیر بشدت تکذیب می‌کند و با اصرار به مخاطبان خود، عموم مردم، می‌گوید که اگر فلان شخصیت سهامدار این کارخانه بود، کسی نمی‌توانست با پلمپ آن، یک واحد تولیدی را به آستانه ورشکستگی بکشاند، ضمن آنکه استفاده از ارز آزاد برای خرید ماشین آلات خود گواه دیگری است که این واحد به هیچ ششاعت سیاسی و حزب و دسته و گروه حکومتی وابسته نیست. این واحد تولیدی برای تأکید بیشتر آگهی خود را با شعار "چو ایران نباشد تن من مباد" آغاز و با همان شعار آنرا ختم می‌کند.

راستی آیا کسی سنجیده است که چرا هواداری از دکتر مصدق و وابستگی به جبهه ملی و سایر جریان‌ها ملی گرا در متن جامعه چنان افتخارآمیز بوده و هست و شایعه وابستگی به یک شخصیت همواره در رأس کار حکومتی چنین آثار سوئی برای یک واحد ببار می‌آورد؟

### پیروزی حزب توسعه و پیشرفت در انتخابات ترکیه

پیروزی گروه‌های سیاسی ملی-مذهبی (نامی که خوشان اعلام می‌کنند) در انتخابات پارلمان ترکیه با ۳۴ درصد رأی درآوردنندگان که می‌تواند بیش از ۶۰ درصد کرسی‌های پارلمان را تصاحب کند و در نتیجه با این اکثریت به روی کار آمدن نخست‌وزیر جدیدی بپایانجامد، در ایران بازتاب‌های گوناگونی داشت، جناح اقتدارگرا از پیروزی "اسلام‌گرایان" در ترکیه نامید و بدون اینکه به مقایسه ریش تراشیده و کراوات قرمز رنگ "رجب طیب اردوغان" با ظاهر خوششان بپردازند، آنرا نوعی پیروزی طرز فکر خود قلمداد کردند، غافل از اینکه گروه پیروز در انتخابات ترکیه پیشتر باها مواضع خودشان را در برابر نوع ارتباط قوانین اسلامی با حکومت اعلام کرده‌اند که با آنچه در ایران می‌گذرد تفاوت کلی و یا شاید نوعی تضاد داشته است. جناح اصلاح طلب هم پیروزی گروه مزبور را پیروزی تفکر خود اعلام کرد، در حالی‌که این گروه در برابر جناح لائیک تعصب ترکیه به پیروزی نسبی رسیده و هدفش تعدیل حکومت است نه تعدیل و تفسیر از قوانین مذهبی برای حکومت.

همچنانکه این گروه بر آزادی‌های مذهبی و فردی در جامعه ترکیه و رعایت حقوق بشر در این موارد بیش از گروه لائیک تکیه و تأکید می‌کند. بهر حال همچنانکه در حکومت طالبان در افغانستان رخ داد روابط نزدیکتری با بین ایران و ترکیه در آینده نزدیک نمی‌توان انتظار داشت.

نشریه پیام جبهه ملی ایران  
با کمک‌های مالی شما  
هم‌اندیشان و خوانندگان  
گرامی اداره می‌شود

نشریه داخلی  
پیام جبهه ملی ایران

با یاد دکتر مهدی آذر

تهران - صندوق پستی: ۱۱۴۹ - ۱۵۸۱۵

E-mail: jebhemelliiran@yahoo.com